

Journal of Resistance Literature
Faculty of Literature and Humanities
Shahid Bahonar University of Kerman
Year , No , Autumn and Winter -

**The Inductive Function of Lexicons in ‘*Those Persons*’
in Search for Lexical Features of War Prisoner’s Memories**

Naser Qoli Sarli¹⁾
Bahador Bagheri²⁾
Tahereh Ishani³⁾
Soheila Alion⁴⁾

Abstract

The book '*Those Persons*' contains the memoirs of Yusefzadeh during his captivity in Iraq. He is one of those Basiji youths who was imprisoned in Iraqi imposed war against Iran. The significance of the book relies on the depiction of historical events and the torture of youths in Iraq prisons, expressed in a childish and simple language with colloquial phrases and local accent. In this study, the inductive function and role of lexicons in this book in depicting the atmosphere described by the author was examined and analyzed through the classification of words related to war and captivity. The aim is finding access to lexical features of war prisoner's memoirs in Persian language and presenting a framework for their analysis.

The range and frequency of lexicons used by the author incurs enough data for the analysis of the way in which reality was depicted in these texts and the function of lexicons in the expression of the atmosphere preferred by the author.

¹⁾ Associate Professor of Persian Language and Literature, Kharazmi University, Email: sarli@khu.ac.ir

²⁾ Associate Professor of Persian Language and Literature, Kharazmi University, Email: bahadorbagheri@gmail.com

³⁾ Assistant Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies, Email: tahereh.ishany@gmail.com

⁴⁾ PhD Student of Persian Language and Literature, Kharazmi University (Corresponding author), Email: s.aliyon@yahoo.com

Date Received: . . .

Date Accepted: . . .

The study shows that the special lexicons of war prisoners' memoirs mostly include military terms, words related to captivity, places, and persons with whom the author has lived or those he remembers, words related to war literature or the places in which the author has stayed during his captivity. The findings of this research present a framework for the analysis of lexicon of this literary type, which puts the words into a -part classification based on subject. The recognition of the lexicons of this literary genre/form by comparing them with those of other literary texts and the determination of the frequency of each group of words would reveal the themes prevalent in the prisoners' minds and the amount of their significance for them.

Keywords: Memoir writing, War prisoners' memoirs, Ahmad Yusefzadeh, Those Persons.



نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

کارکرد القایی واژگان در کتاب «آن بیست و سه نفر»

در جست‌وجوی ویژگی‌های واژگان نوع ادبی خاطرات اسیران جنگ

(علمی-پژوهشی)

ناصرقلی سارلی^۱

بهادر باقری^۲

طاہره ایشانی^۳

سهیلا علی‌بن^۴

چکیده

«آن بیست‌وسه نفر» خاطرات اسارت احمد یوسف‌زاده است. او در زمره ۲۳ نوجوان بسیجی است که در جنگ ایران و عراق اسیر می‌شوند. اهمیت این کتاب در پرداختن به وقایع تاریخی و شکنجه‌های نوجوانان در زندان‌های عراق، با زبان کودکانه و بی‌آلایش و عبارات محاوره‌ای و لهجه محلی است. در پژوهش حاضر، از رهگذر طبقه‌بندی واژگان مرتبط با جنگ و اسارت، نقش و کارکرد القایی واژگان کتاب مذکور در بازنمایی فضای مورد توصیف نویسنده، بررسی و تحلیل شده است. هدف، دستیابی به ویژگی‌های واژگان نوع ادبی فرعی خاطرات اسیران جنگ (آزادگان) در زبان فارسی و به دست دادن چارچوبی برای تحلیل آنهاست. طیف واژه‌هایی که نویسنده برای ثبت

^۱ دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی sarli@khu.ac.ir

^۲ دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی bahadorbagheri۴۷@gmail.com

^۳ استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی tahereh.ishany@gmail.com

^۴ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول: s.aliyon@yahoo.com)

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶-۱۲-۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶-۰۷-۲۶

خاطراتش استفاده می‌کند، به همراه بسامد هر یک از واژه‌ها، داده‌های کافی برای تحلیل شیوه بازنمایی واقعیت در این نوع متن‌ها و نقش واژگان را در القای فضا و معنای مورد نظر نویسنده به دست می‌دهد. این بررسی نشان می‌دهد واژه‌های خاص نوع ادبی خاطرات اسیران، بیشتر حول اصطلاحات نظامی، واژه‌های مرتبط با اسارت، مکان‌ها، اشخاصی که نویسنده با آنها زندگی می‌کند یا آنان را به خاطر می‌آورد، واژه‌های مرتبط با ادبیات جنگ و مکان‌هایی که نویسنده در آنها به سر برده، هستند. یافته‌های این پژوهش، چارچوبی برای تحلیل واژگان این نوع ادبی به دست می‌دهد که واژه‌ها را در یک طبقه‌بندی موضوعی پانزده بخشی قرار می‌دهد. بازشناسی واژگان این نوع ادبی از طریق مقایسه آن با متون سایر انواع و تعیین بسامد هر گروه از واژه‌ها، نشان می‌دهد ذهن اسیران و آزادگان حول چه موضوعاتی حساس بوده و این موضوعات تا چه اندازه در نظر آنان اهمیت داشته است.

واژه‌های کلیدی: خاطره‌نویسی، خاطرات اسیران جنگ، احمد یوسف‌زاده، آن بیست‌وسه نفر، ادبیات پایداری (مقاومت).

۱- مقدمه

پس از پایان هر حادثه تاریخی، فرصتی برای ثبت متن و حواشی آن حادثه پیش می‌آید. افرادی که در رویدادهای مهمی چون جنگ شرکت داشته‌اند، می‌کوشند با مکتوب کردن خاطرات خویش، در روایت آنچه گذشته است، سهمی داشته باشند و در حفظ ارزش‌ها و انتقال تجارب زیسته بشر در دل این رویداد نقشی ایفا کنند.

این خاطرات، گذشته از ارزش‌های فرهنگی و انسانی، از دیدگاه زبانی و ادبی نیز اهمیتی بی‌بدیل دارند؛ به‌ویژه وقتی سخن از خاطرات و برداشت‌های فردی و ذهنی شرکت‌کنندگان در پدیده‌هایی چون جنگ به میان می‌آید، نقش زبان به کار رفته در این آثار برجسته می‌شود و

ویژگی‌های ادبی چنین متن‌هایی، پرده از زوایایی برمی‌گیرد که فناوری و ابزارهای امروزیین ثبت و ضبط تجربه‌های بشری قادر به ترسیم آن نیست.

خاطرات جنگ از حیث ساختار و راوی، به دسته‌های متعددی تقسیم می‌شود. گاه مجموعه چندین خاطره نامتجانس است که از یک یا چند نفر روایت می‌شود و گاه خاطرات به صورت یک داستان منسجم نقل می‌شود. ممکن است نویسنده، خود صاحب خاطره باشد و یا از زبان دیگری روایت کند. یکی از انواع خاطرات جنگ که اعتبار و اهمیتی ویژه دارد، خاطرات آزادگانی است که پس از آزادی، روزهای اسارت را روایت می‌کنند. این خاطرات به ویژه هنگامی که صاحب خاطره، خود نویسنده و راوی آن است، منبعی غنی از اطلاعات گوناگون نظامی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و مانند آن است که می‌تواند دست‌مایه پژوهش‌های زبانی و ادبی قرار گیرد و از دیدگاه‌های مختلف تحلیل گردد.

در مقاله حاضر، از رهگذر طبقه‌بندی واژگان مرتبط با جنگ و اسارت در «آن بیست و سه نفر»، نقش و کارکرد القایی واژگان این کتاب در بازنمایی فضای مورد توصیف نویسنده بررسی و تحلیل شده است. زبان، ابزارهای گوناگونی برای بازنمایی واقعیت و توصیف تجربه‌های زیسته در اختیار نویسنده و راوی قرار می‌دهد. در این نوشته، تنها ابزارهای زبانی در حوزه واژگان که نویسنده/راوی در این کتاب از آنها بهره برده، تحلیل شده است.

۱-۱- بیان مسئله

پس از حضور رزمندگان در نقاط تماس و درگیری با دشمن و پیدایش جامعه رزمنده، خاطره‌نویسی به سرعت به عنوان نوع ارتباط و واکنش فرهنگی در بین رزمندگان پا گرفت. «قابلیت تمام عیار مجموعه حقایق و وقایع جنگ از حیث درون‌مایه‌های معنوی، اساس ادب مقاومت این دوره را پدید آورده است. خاطره‌نگاشته‌ها به عنوان جلوه و بخشی از مواد این ادب، واگوی واقع‌های درونی و شرح مشاهدات شاهدان جبهه‌های نبرد است» (کمری، ۱۳۷۳: ۳۹-۴۰).

خاطره‌نویسی، مانند هر نوع نوشته دیگر، اجزا و ارکانی دارد که راوی، سوژه، مکان و زمان مهم‌ترین عناصر آن است. در خاطره‌نویسی، راوی در بطن حادثه حضور دارد و نوشته از خیزش‌های ذهنی او که برگرفته از واقعیت است، شاخ و برگ می‌گیرد؛ اما ممکن است او خود محور خاطره نباشد؛ بلکه روایتگر جزئیات و حوادثی باشد که شاهد و تجربه‌گر آن بوده است. اهمیت راوی از آن جهت است که او سوژه خاطره و جهت‌گیری نوشته را نیز مشخص می‌کند. «در خاطره‌های ماندگار، سوژه‌ها نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند و راوی با انتخاب سوژه مناسب از میان ته‌مانده‌های ذهنی، آن را در بستر واقعیت پرورش می‌دهد، نه با بهره‌گیری از تخیل» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۸۹).

خاطره‌ها به مکان و زمان خاصی ارجاع می‌دهند و از این رو، ثبت دقیق مکان و زمان و تا حد امکان جزئیات برای توضیح بیشتر سوژه در آنها بسیار پراهمیت است. ذکر مکان و زمان، هم به استحکام آن کمک می‌کند و هم به آن ارزش تاریخی می‌بخشد. خاطره‌نویس‌های جنگ نیز اگر امکان ارائه مناسبی بیابند، می‌توانند به‌عنوان اسناد موثق تاریخی مورد استفاده قرار گیرند.

از کامل‌ترین خاطره‌نویس‌های رزمندگان، خاطراتی است که به قلم رزمندگان آزاده تقریر شده است؛ زیرا آنان هم خود در جبهه حضور داشته‌اند و هم در هیاهوی نبرد، اسارت را چشیده‌اند، بیم‌ها و امیدهای بسیار و سپس شوق آزادی و بازگشت به میهن را تجربه کرده‌اند. به نظر می‌رسد تجارب زیسته رزمندگان آزاده، تنوع و گستره تجربی کم‌مانندی دارد. هر یک از خاطره‌نویسان بازنمایی صحنه‌های جنگ، اردوگاه‌های عراق و آزادی را با واژه‌ها و عبارات ویژه‌ای بیان می‌کنند. طبقه‌بندی و تحلیل واژگان و ترکیبات زبانی خاطره‌ها، می‌تواند تصویری از ادراکات و حالات خاطره‌نگار را از تجربه‌های اسارت او نمایش دهد. گاه کاربرد واژه‌های تیره و منفی، نمادی از نومیدی راوی از آزادی است و واژگان مثبت و روشن، حاکی از عزم و انگیزه او برای آزادی و نیل به آرمان‌هایش.

مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل نقش و کارکرد واژگان کتاب «این بیست و سه نفر» در القای معنا و ابلاغ پیام مورد نظر نویسنده/راوی و به‌ویژه ترسیم فضای حاکم بر محیط رخدادها و ذهنیت راوی و همراهان او (اسیران جنگ و آزادگان) است. به‌عنوان مقدمهٔ چنین تحلیلی، لازم است نخست چارچوبی برای طبقه‌بندی واژگان به کار رفته در چنین متنی پیشنهاد شود. چارچوب یادشده، هم‌زمان طیف واژگان متن و بسامد هر یک از واژه‌ها را نشان می‌دهد. این چارچوب، در صورت توفیق در فراهم کردن تمهیدات تحلیل پیش‌گفته می‌تواند در تحلیل سایر خاطرات اسیران جنگ (آزادگان) نیز به کار رود.

۱-۲- پیشینه تحقیق

بررسی‌ها نشان داد تاکنون پژوهش تخصصی و مستقلی در طبقه‌بندی واژگان خاطره‌نوشته‌های آزادگان دفاع مقدس و تحلیل القایی و بلاغی آن انجام نشده است. تنها سه پژوهش قابل تأمل در این زمینه به انجام رسیده که تا حدودی با مقاله حاضر مرتبط است:

۱- محمدرضا ایروانی، (۱۳۸۶) «بررسی و نقد و تحلیل سبکی خاطرات آزادگان دفاع مقدس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

۲- فریبا طادی‌بنی، (۱۳۹۰) «بررسی محتوای خاطرات اسرای هشت سال دفاع مقدس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد.

۳- صدیقه میرزاجانی، (۱۳۹۳) «بازنویسی و تحلیل خاطرات آزادگان دفاع مقدس (آزاده علی زمانی)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

خاطرات جبهه و جنگ، خاصه خاطرات دوران اسارت، منبعی ارزشمند در مطالعات فرهنگی و اجتماعی جنگ تحمیلی به شمار می‌آید. این خاطرات، بیانگر بخشی از واقعیت‌های

تاریخی جنگ هشت ساله عراق علیه ایران است. در مطالعه خاطرات آزادگان، شاهد زوایای پنهان زندگی آنان در زندان‌ها و اردوگاه‌های مخوف عراق (ادبیات زندان) هستیم. با توجه به این جنبه زندگی و معیشت آزادگان، شناخت دامنه واژگان و ترکیبات و بسامد آنها، ما را به شناخت و درکی بهتر از وضعیت ذهنی و طرز تلقی آنان از موضوعات مختلف، به‌ویژه نوع عقاید و آرمان آنان رهنمون می‌سازد.

۲- بحث

در مطالعات خاطره‌نگاشته‌های جنگ، بیشتر توجه به ساختار روایت و تأثیر کلام نویسنده در بیان اجزای آن است. راوی می‌کوشد عقاید و باورهای خود در آن لحظات تلخ و شیرین را به مخاطب ارائه دهد و در چنین سبک نوشتاری، عناصر ادبی نمود چندانی نمی‌یابند و روایت به داستان رئالیستی تراژیک یا کمیک نزدیک می‌شود. در این هنگام، بررسی نوع واژگان به کار رفته در متن اهمیت می‌یابد تا دید و نگرش راوی به مخاطب انتقال داده شود؛ در واقع، خاطره‌نگار کمتر در پی تصویرسازی و کاربرد صور خیال به‌معنای مصطلح در مطالعات ادبی است. او غالباً با سبک زبانی فردی خویش و نزدیک به زبان مردم سخن می‌گوید؛ از این رو، پیش فرض ما درباره خاطرات اسیران جنگ (آزادگان) آن است که شاید در آنها کمتر بتوان از شگردهای ادبی رایج سراغ گرفت.

کتاب «آن بیست‌وسه نفر» از زبان مردم و برای مردم نوشته شده است. خاطره‌نگار از زبانی ساده و راحت بهره گرفته و زبان را وسیله‌ای برای انتقال افکار، دیده‌ها و تجربیات خویش یافته است.

۲-۱- معرفی کتاب آن بیست‌وسه نفر

«آن بیست‌وسه نفر» خاطرات احمد یوسف‌زاده (۱۳۴۴ ه.ش) است. نویسنده کتاب، فارغ از هرگونه تحلیل‌ها و برداشت‌های آزاد، خاطرات خود را بدون تکیه بر قضاوت یا داوری

خوانندگان بازگو کرده است. صداقت گفتار و احترام به خواننده، از جمله ویژگی‌هایی است که در این اثر روایی با شفافیت، همراه با مستندات و شواهد عینی به چشم می‌خورد. نویسنده با زبانی ساده و صمیمی، واقعیت‌ها را با تمام تلخی‌ها، شیرینی‌ها، سختی‌ها و محبت‌ها بیان کرده است. به گفته‌ی راوی:

«ماجرای «آن بیست و سه نفر» اتفاقی است که نمونه‌اش در هیچ جنگی رخ نداده است. سال ۱۳۷۰، یک سال پس از آزادی از اسارتی که هشت سال طول کشید، این ماجرا را نوشتم و برای چاپ به مرکز نشری سپردم. آنچه از چاپ درآمد، کتابی کم‌حجم بود {با نام پرچین راز} به قلم یکی از جوانان جویای نام آن روزگار که هیچ به دلم ننشست. سال ۱۳۸۵، مهدی جعفری، کارگردان متعهد کشورمان، از ماجرای «آن بیست و سه نفر» مستندی سیزده قسمتی ساخت و ... از شبکه ۴ سیمای جمهوری اسلامی ... پخش شد» (یوسف‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۱). کاستی‌های آن کتاب، با تألیف «خودنوشت» اثر برطرف شده است. به گفته‌ی نویسنده کتاب، «بعد از سال ۱۳۸۵، تمامی شبکه‌های استانی تلویزیون جمهوری اسلامی آن فیلم را پخش کردند» (یوسف‌زاده، ۱۳۹۶/۷/۱۷، ارتباط تلفنی).

کتاب «آن بیست و سه نفر» با ظرافت و زیبایی خاصی نوشته شده است و در جای‌جای آن می‌توان تکنیک‌ها و شگردهای داستان‌نویسی را - اگرچه ممکن است برای نویسنده، ناخودآگاه باشد - ملاحظه نمود. «خواننده می‌تواند مطمئن باشد آنچه در این کتاب می‌خواند، تخیل و قصه‌پردازی نیست» (همان: ۱۲)؛ اما نویسنده، خاطرات خود را به شیوه‌ای فصیح و بلیغ بیان کرده است که می‌توان برخی شگردهای خاص داستان‌نویسی را هم در آن یافت. برخی از تکنیک‌های داستان‌نویسی که در این کتاب خودنمایی می‌کند، عبارت‌اند از:

شخصیت‌پردازی، آرایه‌های ادبی، دیالوگ، مونولوگ (تک‌گویی درونی)، توصیف و فضاسازی، زبان شیرین و روان متن، مطایبه و شوخی، تکنیک پرسش زمانی یا فلش‌بک برای گریز از حالت یکنواختی و افزایش جذابیت متن که به شیوه «خاطره در خاطره» در روایت می‌انجامد.

نثر کتاب، بسیار روان، بلیغ و شیواست. این نثر گاه کاملاً به زبان محاوره نزدیک می‌شود و همین امر، موجب حلاوت خاص آن شده‌است. جملات در این متن، کوتاه و فاقد ابهام و مغلق‌نویسی است؛ از این رو، خواننده به راحتی با متن کتاب ارتباط برقرار می‌کند.

راوی نوجوان ۱۶ ساله‌ای از اهالی کهنوج - یکی از روستاهای استان کرمان - است. او با اصرار مادرش را راضی کرده تا به جبهه برود. راوی به همراه ۲۲ نوجوان دیگر که اغلب اهل کرمان بوده‌اند، در اردیبهشت ۱۳۶۱ اسیر می‌شوند. صدام حسین با وعده آزادی این ۲۳ نفر خود را دوست‌دار آنان جلوه می‌دهد و در مقابل، این نوجوانان با اعتصاب غذا می‌کوشند تا از زندان استخبارات به اردوگاه بروند و شرایطی مانند دیگر اسرا داشته باشند.

کتاب «آن بیست‌وسه نفر» پس از آزادی راوی نوشته شده و رویدادها و خاطرات آن مربوط به دوران اسارت است. از آن روی که متن، خاطرات خودنوشت است، اعتبار تاریخی و استنادی می‌یابد. «با وجود اهمیت ادبی و هنری خاطره‌نگاشته‌های جنگ، این نوشته‌ها بیشتر به خاطر واقعیت‌های تاریخی و اعتبار استنادی مقبول همگان قرار گرفته‌اند» (مردانی‌نوکنده، ۱۳۸۶: ۱۷).

۲-۲- واژگان خاص خاطرات اسیران جنگ و طبقه‌بندی موضوعی آن

در بررسی و تحلیل واژگان یک متن، نخستین گام آن است که واژگان خاص و ویژه آن را شناسایی و توصیف کنیم. پرسش آغازین در شناسایی واژگان خاص این کتاب، به طور خاص و واژگان نوع ادبی خاطرات اسیران جنگ (آزادگان) آن است که واژگان این دسته از متون چه ویژگی‌هایی دارند و چگونه از واژگان سایر متون متمایز می‌شوند.

برای شناسایی این واژگان و دستیابی به پیکره واژگانی این متن، نویسندگان این مقاله به شمّ زبانی خود در تمایز میان واژگان زبان عادی و معیار با واژه‌های خاصی که در متن با آن مواجه می‌شدند، متکی بوده‌اند. گذشته از شمّ زبانی که از طریق تمایز میان واژگان به کار تشخیص

می‌آمد، تکرار واژه‌های خاصی در متن، خود گویای تعلق آن واژه‌ها به آن متن و نوع ادبی است. توجه به بافت، موضوع، زمینه و عاملان سخن، خود زمینه را برای تشخیص واژه‌های خاص هر متن فراهم می‌کند. به تعبیر مایکل هلیدی و رقیه حسن (۱۹۷۶: ۲۱)، هر موقعیت زبانی (بافت غیرزبانی) سه مؤلفه اصلی دارد که توصیفگر آن بافت موقعیتی است: زمینه سخن (آنچه در حال رخ دادن است)، عاملان سخن (فرد یا افرادی که در حال ایفای نقش در متن هستند) و شیوه سخن (شیوه و نحوه بیان: دوستانه/ صمیمی/ جدی/ شوخی/ گزارش و مانند آن). نویسندگان مقاله در تشخیص واژگان خاص متن به این مؤلفه‌های بافتی متن توجه داشته‌اند.

پس از یافتن و تشخیص واژه‌های خاص متن، باید آن را در چارچوبی طبقه‌بندی کرده و جای می‌دادیم. وجود چارچوبی برای طبقه‌بندی، هم‌زمان دو نوع داده برای تحلیل به دست می‌دهد؛ نخست آنکه طیف واژه‌های به کار رفته را مشخص می‌کند و جهت‌گیری واژگانی نویسنده/راوی را نشان می‌دهد؛ دیگر اینکه درون آن طیف واژگانی، بسامدها و تکرارها را ارائه می‌کند. بسامد و تکرار در کنار انتخاب‌های آگاهانه و ناخودآگاه نویسنده/راوی در برگزیدن واژه‌هایی از طیف‌های واژگانی مختلف، ما را به واژگان خاص این نوع ادبی رهنمون می‌شود.

ما در حجم نمونه‌ای که از کتاب «آن بیست و سه نفر» انتخاب کردیم و شامل ۲۷۷ صفحه از این کتاب ۴۰۵ صفحه‌ای است، ۱۰۲۹ واژه و ترکیب یافته‌ایم که مطابق معیارهای تشخیصی که یاد شد، می‌توان آنها را واژگان این متن به طور خاص و واژگان این نوع ادبی به طور عام نامید. این واژگان ۶۰۵۱ بار - به طور میانگین هر واژه نزدیک به ۶ مرتبه - در متن تکرار شده‌اند. با نظری بر زمینه به کارگیری واژه‌ها در متن، واژگان را از حیث موضوع ذیل در ۱۵ طبقه قرار داده‌ایم که عبارت‌اند از:

۲-۲-۱- اشخاص

«آن بیست و سه نفر» مجموعه خاطراتی است که حول یک موضوع محوری شکل گرفته و روایت آن به صورت یک داستان منسجم است. از آنجا که «یک داستان‌نویس برای آنکه شخصیت‌های داستان‌ش را خوب به خواننده بشناساند، باید او را نسبت به خصوصیات ظاهری و اخلاقی شخصیت‌های داستان‌ش ° تا حدی که به کار داستان می‌آید ° آگاه سازد، به شخصیت‌پردازی می‌پردازد» (عابدی، ۱۳۷۵: ۶۹). در این کتاب نیز حالات جسمانی، اخلاقی، رفتاری، کنش‌ها و ... اکثر شخصیت‌ها وصف شده و به‌طور شفاف برای خواننده به‌تصویر کشیده شده است؛ مثلاً درباره فریبرز، یکی از اسرای ایرانی می‌نویسد:

«فریبرز که یک شهروند اسیر شده بود، نه یک اسیر جنگی، روی بازوی سمت راستش تصویری منسوب به حضرت علی (ع) را خالکوبی کرده بود و روی بازوی سمت چپش، عکس زنی با موهای پریشان!» (یوسف‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۹۸).

یا در معرفی ابوقاص از مأموران اردوگاه نهایت دقت را دارد تا صورت ظاهری وی را به مخاطب نشان دهد:

«قد کشیده‌ای داشت و قامتی استخوانی. پیراهن آستین کوتاه راه‌راهش چهار جیب داشت با دکمه‌های درشت بر هر یک. حرف که می‌زد سبیک گلویش به‌طور خنده‌آوری بالا و پایین می‌رفت. چشمانش را سرمه کشیده بود و روی مچ دست راستش پنج نقطه سبز خالکوبی شده بود» (همان: ۱۷۷).

این کتاب از نظر تنوع و فراوانی شخصیت‌ها از دیدگاه‌های مختلفی چون شغل، ملیت، محل زندگی، مذهب، خصوصیات ظاهری و باطنی قابل تأمل است.

نویسنده/راوی در کتاب خود جمعاً نام ۱۴۱ شخص را آورده که اغلب آنها شخصیت‌های ایرانی هستند. او همچنین نام ۳۱ شخصیت عراقی را ذکر کرده و تنها ۹ نام از ائمه و معصومین و ۲ نام لاتین به کار برده است. نام ۲۲ دوست نوجوان راوی، پربسامدترین نام‌های کتاب است. این امر نشان از ارتباط و پیوستگی این بیست و سه نفر دارد.

۲-۲-۲- اصطلاحات نظامی

راوی در خاطرات خود از ۱۷۴ اصطلاح نظامی یاد می‌کند که با توجه به محتوا و مضمون جنگی و خاطرات اسارت، اهمیت خاصی می‌یابد. طرح داستان کتاب به گونه‌ای است که راوی در طول روایت خاطرات، به گذشته و حضور در جبهه بازمی‌گردد؛ بنابراین، این طبقه با ۱۲۴۴ بار تکرار اصطلاحات نظامی، جایگاه ویژه‌ای در ساختار و محتوای کتاب می‌یابد. اصطلاحات نظامی شامل ادوات جنگی، درجات نظامی و سایر اصطلاحات در این زمینه است. پربسامدترین واژه‌های این بخش: سرباز، اردوگاه، جبهه، نگهبان، عملیات، افسر، سرهنگ، استوار، ژنرال و گروهبان هستند. واژه‌هایی مثل سرباز، جبهه و عملیات، اغلب مربوط به آن بخش‌هایی از کتاب است که راوی نقبی به گذشته (فلش‌بک یا تکنیک پرش زمانی) زده و روزهای پیش از اسارت را نقل می‌کند.

۲-۲-۳- اصطلاحات زندان / اردوگاه

راوی در بیان خاطرات خود از ۹۴ اصطلاح مربوط به زندان و اردوگاه استفاده کرده که ۱۰۸۲ بار در متن تکرار شده‌اند. زندان مکانی است که راوی شب و روز در آن زندگی کرده و در بهترین وضعیت، جز چند ساعت در روز به او فرصت استفاده از هوای آزاد داده نشده‌است. او بیشترین ارتباط را با اسیران، زندانبانان و نگهبانان عراقی دارد؛ بنابراین، بسامد واژگان و اصطلاحات مربوط به این مکان‌ها در خاطراتش بیشتر است. برای نمونه اگر واژه «در» در خاطرات و داستان‌هایی مربوط به غیر زندان و اسارت از نظر راوی چندان مهم نیست و در طول روایت‌ها کمتر توجهی به آن می‌شود، برای راوی این کتاب معنا و مفهوم ویژه‌ای دارد؛ مثلاً می‌نویسد: «در زندان با صدایی خشک بسته شده بود»

(یوسف‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۵۱) یا «روی درهای خاکستری زندان‌ها دو دریچه کوچک دیده می‌شد» (همان: ۱۴۸).

او پیوسته از باز و بسته شدن در زندان (آسایشگاه) که ورود و خروج زندانبانان عراقی را در پی دارد، سخن می‌گوید. با باز شدن در، زندانبانان خشن عراقی را می‌بیند و با بسته شدن آن، اسارت را بیش از پیش حس می‌کند؛ دری که او را از دنیای آزادی جدا می‌کند. او و دوستانش از آن در بسته که هر روز به دست زندانبانان عراقی با قفل‌های سنگین بسته می‌شود، نهایت انزجار را دارند.

همچنین زندان یا اردوگاه اسیران، با شکنجه‌های جسمانی متنوع همراه است؛ به طوری که «در دوران اسارت، شکنجه به اشکال مختلف وجود داشت؛ البته بیشتر شکنجه‌ها به صورت زدن با شلاق و باتوم و زدن و مضروب کردن با دست و پا (سیلی و مشت و لگد) بود» (عیسی‌مراد، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

علاوه بر تحمل شکنجه، اسیران برای رسیدن به مقاصد خویش دست به اعتصاب غذا می‌زدند. راوی در بیان خاطراتش، از اعتصاب غذای پنج روزه خود و دوستانش که با موفقیت به پایان رسیده است، سخن می‌گوید:

«ساعت ۱۰ صبح روز پنجم، ... در زندان باز شد و ابوقاص آمد داخل ...؛ ولی آن روز از زیر پتوهایمان بیرون نیامدیم، ... سرمان گیج می‌رفت. هر یک سهمی از دیوار زندان داشتیم تا تکیه گاهمان باشد که زمین نخوریم ... موفق شده بودیم. حرفمان به کرسی نشسته بود. پیروز شده بودیم. دشمن عقب‌نشینی کرده بود. تو گویی خرمشهر را دوباره از دست صدام گرفته بودیم» (یوسف‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۶۷-۳۶۸).

این طبقه از چهار زیرطبقه واژگان، مربوط به اسارت، ساختار زندان، ابزار شکنجه و اعتصاب غذاست که پرسامدترین واژگان این دسته عبارت‌اند از: زندان، در، اتاق، دیوار،

آسایشگاه، کابل، باتوم و اعتصاب غذا که جملگی از واژه‌های یادآور رنج و درد روزگار اسارت هستند.

۲-۲-۴- اسامی مکان‌ها

یوسف‌زاده در بیان روایت‌ها از مکان‌های مختلفی نام می‌برد. در اکثر موارد، مکان رویدادها به روشنی پیداست. همه خاطرات در مکانی مشخص اتفاق می‌افتند؛ همچنین اغلب مکان‌ها مربوط به دو کشور ایران و عراق است. این طبقه شامل ۱۷۶ مکان می‌شود که ۷۲۹ بار در متن تکرار شده‌اند.

از میان همه مکان‌ها، شهر بغداد پرکاربردترین مکان است. توجه راوی به این شهر از انزجار و تنفر او و دوستانش نشئت می‌گیرد. در بخشی از کتاب، این شهر را «طاغوت‌زده» می‌نامد: «دیدن عبارت ائمه اطهار در شهر طاغوت‌زده بغداد، حس خوبی به همه ما داد» (همان: ۱۹۴). او در ابتدا و در حدود انتهای اسارت هشت ماهه‌اش، در زندان استخبارات بغداد زندگی می‌کند؛ مکانی که از آن بیزار است. بار دومی که قرار است عراقی‌ها او و دوستانش را از اردوگاه رمادی به زندان استخبارات بغداد انتقال دهند و مینی‌بوس، جلوی مقر اردوگاه منتظر آنهاست، راوی، توصیفی از احساسات خود در آن لحظه دارد که نشان‌دهنده انزجار او از این مکان است: «... عرق سردی نشست روی پیشانی‌ام. ترسیدم. غده‌های بزاق توی گلویم ترشح کرد. لوزه‌هایم بزرگ شد؛ آن قدر بزرگ که انگار داشت راه نفسم را می‌بست. چرا ترسو شده بودم؟ شب عملیات روی میدان مین نترسیده بودم، توی اتاق بازجویی از فواد و اسماعیل هم این قدر نترسیده بودم. در آن لحظه چه شده بود که بغض کرده بودم. بناگوشم داغ شده بود و دلم تندتند می‌تپید!» (همان: ۳۱۵).

حس نوستالژی و یادکرد گذشته، سبب شده تا راوی پس از بغداد، واژه روستا را در این طبقه بیشتر به کار ببرد. بعد از دو مکان (بغداد و روستا)، بصره، رمادی، کرمان، موردان (زادگاه

راوی)، خرمشهر و آبادان پربسامدترین مکان‌هایی هستند که در کتاب آمده است. دامنه مکان‌ها به ترتیب بسامد، محل زندان استخبارات، زادگاهش و مناطق جنگی است.

۲-۲-۵- اسامی لوازم

راوی در بیان خاطراتش از لوازم مختلفی نام می‌برد که در طول مدت اسارت با آنها سر و کار داشته است یا زمانی که خاطرات دوران آزادی خود را در ذهنش تداعی می‌کند، از آنها نام می‌برد. لوازم ۱۷۵ مورد هستند و ۷۲۹ بار در متن آمده‌اند. در این دسته، روزنامه، ماشین، مینی‌بوس، دوربین، ضبط صوت، سینی، ظرف، صندلی، قفل و عکس بیشترین فراوانی را دارند.

۲-۲-۶- خوراک / پوشاک

در اغلب کتاب‌های مربوط به خاطرات آزادگان، کمیت و کیفیت مسائلی نظیر نوع تغذیه، وضعیت پوشاک و لوازم خواب در زندان و یا اردوگاه‌ها، شرح داده شده است. «مسئله پوشاک دوران اسارت، با فراز و نشیب‌های فراوانی روبه‌رو بود. اسرای سال‌های اول جنگ، تا مدت‌ها با همان لباس رزم در اسارتگاه‌ها به سر می‌بردند. پارگی لباس‌ها ... با حضور هیئت‌های صلیب سرخ جهانی در اردوگاه‌ها، رژیم بعث عراق سهمیه‌ای از پوشاک برای آزادگان مقرر نمود که تکرار این سهمیه، بین شش ماه تا یک سال و در بعضی از اردوگاه‌ها بالاتر از یک سال در تغییر بود» (سالمی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۷۴).

«براساس ماده ۲۶ عهدنامه سوم ژنو، ... جیره غذایی اسرا در بخش مهمی از دوران اسارت، عبارت بود از دو وعده غذایی، صبحانه و ناهار. اسرا برای تأمین شام، با نگهداری مقداری از نان صبح و آب خورش ناهار اقدام می‌نمودند ...» (همان: ۷۷).

یوسف‌زاده در بیان خاطرات خود، ۸۴ مورد از اسامی انواع خوراکی‌ها، پوشاک و لوازم مربوط به خواب را آورده‌است که ۳۶۶ بار در متن تکرار شده‌اند. در خوراکی‌ها، آب، نان (نون) و چای بیشترین فراوانی را دارند و در زیرطبقه پوشاک، پیراهن، دشداشه و پالتو بسامد

بیشتری دارند و در زیرطبقه لوازم خواب، پتو، تشک و بالش. نگاه اجمالی به لوازم پربسامد این طبقه، نشان از دغدغه اسرا و نیاز شدید آنها به امور اولیه معاش است که در اردوگاه‌ها دستیابی به آنها امری دشوار و سخت بود.

۲-۲-۷- اسامی مربوط به عادات / سرگرمی‌ها

اسیران در زندان‌ها و اردوگاه‌های عراق، به برگزاری عادات و مراسم مذهبی و فرهنگی و همچنین فعالیت‌ها و سرگرمی‌های مختلف با توجه به امکانات موجود می‌پرداختند؛ البته این اعمال تا جایی امکان داشت که عراقی‌ها از آن ممانعت نمی‌کردند. عیسی مراد در مورد انواع اشتغال‌ها، چه اختیاری و چه اجباری در اسارت بیان می‌کند:

«اشتغال اختیاری و حتی بر حسب ضرورت، برخی از اشتغال‌های اجباری می‌تواند مفرد خوبی برای رهایی از بحران‌های اسارت باشد؛ انواع سرگرمی‌ها، کلاس‌ها، تفریح‌ها، ورزش‌ها، جمع‌آوری مطالب و تهیه کردن جزوات به نحوی، هم برای خود اسیر و هم برای دیگران سودمند و جالب توجه بود. ... اگر اسرا خود را با موارد یاد شده سرگرم نمی‌کردند، یقیناً دچار فشارهای روانی و صدمات روحی بیشتری می‌شدند» (عیسی مراد، ۱۳۹۱: ۳۲۰).

همچنین اسرا در انجام مراسم مذهبی و فرهنگی کوشا بودند و این حمیت در اعتقادات و باورها با دخالت‌های شدید و شکنجه‌های مأموران اردوگاه همراه می‌شد و اغلب، مورد ضرب و جرح قرار می‌گرفتند. راوی در سراسر کتاب از این مراسم در خلال خاطراتش یاد می‌کند. در بخش عادات و مراسم، قرآن، نماز، روزه و رمضان پربسامدترین عناصر هستند. این امر، حاکی از گرایش اسرا به مذهب و عقیده راسخ آنها در آرمان‌خواهی و رهایی و اصلاح نوع بشر دارد. در بخش فعالیت و سرگرمی نیز، کتک خوردن و کتک زدن بیشترین فراوانی را دارد و پس از آن دو، قدم زدن، ترجمه کردن و بازی کردن تکرار بیشتری در طول متن دارند. به طور کلی می‌توان گفت، کتک بخش جدایی‌ناپذیر زندگی آنان در اردوگاه بود؛ به گونه‌ای که برای اسیران نوعی سرگرمی محسوب می‌شد.

۲-۲-۸- اسامی مشاغل / مناصب

کتاب «آن بیست و سه نفر» خاطرات اسارت یوسف زاده و ۲۲ دوست نوجوان اوست که راوی در خلال روایت خاطرات آنان به شغل و پیشه پدرانشان اشاره می کند. او در اردوگاه رمادی با طیف عظیمی از اسرای بزرگسال مواجه می شود که پیش از حضور در جبهه، مناصب مختلفی داشتند؛ همچنین به واسطه اسارت خود، با افرادی نظیر عکاس، فیلمبردار، راننده و مانند آن نیز در ارتباط است. دامنه مجموع مشاغل ۳۵ مورد است که ۱۳۴ مرتبه در متن آمده است. در متن کتاب، پرسامدترین مشاغل عبارت اند از: خبرنگار، راننده، فیلمبردار، عکاس، خیاط و مترجم. اغلب پرسامدترین مشاغل از آن دسته، شغل هایی هستند که در تهیه خبر و مخابره آن تلاش دارند. صدام با هدف عوام فریبی از رسانه های مختلف بهره می گیرد تا نشان دهد ایرانیان به کودکان و نوجوانان آزار می رسانند و در مقابل، خود او نوجوانان اسیر را با اکرام می پذیرد.

۲-۲-۹- اسامی مناطق نظامی / اردوگاه ها / زندان ها / پادگان ها

در متن، اسامی ۱۲ منطقه نظامی، زندان، اردوگاه و پادگان با ۴۸ بار تکرار آمده است. نام زندان استخبارات بغداد بیش از سایر مناطق نظامی و اردوگاه ها تکرار می شود. لازم به ذکر است که خاطرات روایت شده در این کتاب، محدود به هشت ماه اول اسارت راوی است: «در این کتاب فقط هشت ماه از هشت سال و سه ماه و هفده روز اسارت من و دوستانم روایت شده است» (یوسف زاده، ۱۳۹۵: ۱۲)؛ بنابراین با توجه به مدت زمان اسارتش، هنوز زندگی در اردوگاه ها و زندان های زیادی را تجربه نکرده است. او سه ماه از این هشت ماه را در زندان استخبارات بغداد گذرانده است؛ اما چون زندگی در آن مکان، به گفته خودش، بسیار

دهشتناک بوده، بسیار از آن مکان نام برده و به شکل‌های مختلفی فضای آن زندان و محوطه ورودی آن را توصیف کرده‌است. اردوگاه رمادی نیز از مکان‌های پرتکرار به شمار می‌آید.

۲-۲-۱۰- واژگان و اصطلاحات پزشکی

جراحی و بیماری و حضور در بیمارستان از اموری است که طیف عظیمی از رزمندگان در حین جنگ و دوران اسارت بدان دچار شده‌اند. راوی نیز در بیان خاطراتش از واژگان و اصطلاحات پزشکی بهره گرفته‌است. او ۱۹ مورد از واژگان و اصطلاحات پزشکی را ذکر کرده که تنها ۲۶ بار تکرار شده‌اند. واژگانی چون جنازه، بستری، پانسمان و دوا بیشتر در متن تکرار شده‌اند.

شاید علت بسامد اندک اصطلاحات پزشکی در این کتاب، شغل و پیشه او باشد. اگر وی امدادگر یا پرستار بود، بی‌گمان به فراخور شغلش بیشتر از واژگان پزشکی استفاده می‌کرد.

۲-۲-۱۱- اصطلاحات تفریحی / ورزشی

دامنه این طبقه به ۱۰ مورد و ۱۶ مرتبه تکرار در متن محدود می‌شود. از میان تفریحات تنها به ماشین‌برقی و تله‌کابین اشاره دارد و در میان ورزش‌ها بیشتر به کشتی توجه نشان داده و اصطلاحاتی همچون: سگک، بارانداز، زیریه خم، فتیله پیچ، فن و مبارزه (اصطلاحی در ورزش کشتی) را به کار برده است.

۲-۲-۱۲- اسامی عملیات‌ها / تیپ‌ها

در این طبقه تنها ۴ عملیات فتح‌المبین، رمضان، بیت‌المقدس و بستان آمده و راوی فقط به تیپ ثارالله کرمان اشاره کرده که خود اعزامی از آن تیپ بود. این طبقه تنها ۱۲ مرتبه در متن تکرار شده که فتح‌المبین بیشترین فراوانی را دارد. یوسف‌زاده در یکی از این عملیات‌ها

(بیت المقدس) شرکت دارد و پس از آزادی در نامه‌ای خطاب به صدام می‌نویسد: «من ° احمد یوسف‌زاده ° که آن زمان شانزده ساله بودم، به همراه هزاران جوان شجاع ایرانی در عملیات بزرگی به اسم «بیت المقدس» با رمز یا علی ابن ابی طالب، ماهر عبدالرشید، فرمانده سپاه هفتم را شکست دادیم و تن زخمی خرمشهر عزیزمان را از زیر چکمه‌های سربازان متجاوز تو بیرون کشیدیم» (همان: ۳۷۷).

۲-۲-۱۳- اسامی حشرات و حیوانات موذی

وجود حشرات موذی به‌ویژه شپش، بخشی از حقیقت زندگی اسیران در اردوگاه‌ها و زندان‌های بعثی بود که در جای تاریک و نمور و آلوده امکان رشد می‌یابند. راوی در بخش «حل یک مسئله» می‌نویسد:

«مسئله دیگری که در محیط تنگ و کثیف آن زندان آزارمان می‌داد، شپش‌های گنده‌ای بود که از لابه‌لای پتوها به لباس‌های ما نقل مکان کرده بودند. در همه مدت اقامتمان در آن زندان، که حمامی برای شست‌وشوی زندانیان وجود نداشت، بخشی از اوقات شبانه‌مان به شپش‌کشی می‌گذشت. اگرچه هیچ‌وقت نتوانستیم به طور کامل از شرشان خلاص شویم؛ با تلاش فراوان، لاقل از زیاده‌تر شدن آنها جلوگیری کردیم. بارها اتفاق می‌افتاد که در نماز، وقتی قنوت می‌گرفتیم، شپش‌ها از آستینمان بیرون می‌آمدند و با خیال راحت میان انگشتانمان رفت و آمد می‌کردند» (همان: ۱۸۹-۱۹۰).

علاوه بر شپش نام پشه و موش نیز در کتاب آمده است.

۲-۲-۱۴- اسامی روزنامه‌ها/ نشریات / کتب

در سراسر متن تنها به ۳ مجله حقیقت، الف باء، الثوره و کتاب پیغمبر دزدان اشاره می‌کند. با توجه به متن کتاب، مطبوعات زیادی در اختیار اسرا قرار داده نمی‌شده و اگر هم در دسترس بوده، اخبار آنها در بیشتر موارد، موثق نبوده است.

«در بعضی از اردوگاه‌ها، روزنامه‌ها و مجلات عربی و انگلیسی توزیع می‌شد. در این میان، روزنامه انگلیسی «بغداد آزرور» بیشتر مطابق با واقع بود و گروهی از اسرا به ترجمه و توزیع آن مبادرت می‌کردند. توزیع روزنامه‌های عربی الثورة - قادیسیه و الجمهوریه و نیز روزنامه فارسی «مجاهد» ارگان منافقین در بسیاری از اردوگاه‌ها، کمک شایانی به استخراج اخبار نزدیک به واقع از بین اخبار دروغ آن می‌کرد» (سالمی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۷-۱۰۸).

راوی در خاطراتش از یک روزنامه به نام الثورة یاد می‌کند:

«طبق معمول، عکسی از بیست و سه نفر در صفحه اول روزنامه الثورة بود. سیامک، که عربی را خوب یاد گرفته بود، مطلب مربوط به عکس را برایم خواند. نویسنده ما را «پشت درمانده‌ها» نامیده بود و به تفصیل درباره اراده صدام حسین برای پس دادن ما قلم‌فرسایی کرده بود و در نهایت هم به همان دروغ همیشگی پرداخته بود که مسئولان ایران از پذیرفتن کودکانی که به زور به جبهه فرستاده‌اند، امتناع می‌کنند» (یوسف‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۰۱).

بنابراین کذب بودن اخبار این روزنامه‌ها می‌تواند یکی از دلایل بی‌توجهی راوی به این نوع طبقه باشد. مطلب دیگر این است که راوی در زمان اعزام به جبهه دانش آموز شانزده ساله‌ای است که به زبان‌های عربی و انگلیسی تسلط چندانی ندارد و تحصیلات او به اندازه‌ای نیست که به راحتی توانایی ترجمه این متون را داشته باشد. همین امر موجب شده است که علاقه چندانی به مطبوعات نشان ندهد. نظر اخیر محتمل تر می‌نماید.

این طبقه با ۵ بار تکرار بسامد کمی دارد.

۲-۲-۱۵- اصطلاحات و قوانین بین‌الملل

«بعد از وقایع زیانبار جنگ جهانی، توجه به اهمیت رسیدگی به وضعیت اسرای جنگی در کشورهای درگیر، برخی از کشورها را بر آن داشت که با تدوین قوانین و مقررات، تحت لوای صلیب سرخ جهانی، حقوقی را برای اسرا معین کرده و در صورت بروز درگیری و جنگ ملزم به اجرای این قوانین نمایند» (سالمی نژاد، ۱۳۸۹: ۴۹). یوسف‌زاده در خلال خاطرات خود به دو

مورد از اصطلاحات مربوط به قوانین و قراردادها - قانون حمایت و قرارداد صلح - اشاره کرده است. او در بخشی از کتاب از زبان یکی از شخصیت‌ها - ملا صالح قاری - چنین گفته است: «بله، فرماندهی ارتش عراق اعلام کرده که پاسدارا یا به قول اینا حرس خمینی، اسیر جنگی نیستن و مشمول قانون حمایت از اسرا نمی‌شن. دستور مستقیم دارن که پاسدارا رو بکشن» (یوسف‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۸۶)؛ همچنین نویسنده/راوی در بخش دیگری از کتاب چنین بیان می‌کند که «بعدها فهمیدم ابتسام عبدالله، یکی از زنان فعال در عرصه تلویزیون و مطبوعات عراق است. آن روز نمی‌دانم چرا اصرار داشت بگوید ایران شروع کننده جنگ است. آیا واقعاً نمی‌دانست صدام حسین در تلویزیون عراق قرارداد صلح ۱۹۷۵ را پاره کرده و آغازگر جنگ بوده؟» (یوسف‌زاده، همان: ۲۱۸).

۳- نتیجه‌گیری

بهره‌گیری از واژگان خاص، حاکی از طرز تلقی و جهان‌بینی فرد نسبت به جهان پیرامون، شرایط زندگی، فرهنگ و انسان‌های دیگر است. زندگی در اردوگاه‌ها و زندان‌های نظامی، ذهن نوجوان بسیجی را مشحون از واژگانی می‌کند که شناخت آنها دور از ذهن نیست. سادگی اندیشه و خلوص رفتار راوی، این اجازه را به مخاطب می‌دهد که وارد زندگی خصوصی او و دوستانش شود و لحظات شکنجه و دردهای غربت را با او سهیم شود.

اگر طبقه‌بندی موضوعی واژگان در کتاب‌های خاطره‌اسرای دیگر هم مطالعه شود، تقریباً همین پانزده طبقه^۵ با اندکی کم و زیاد^۶ به دست می‌آید؛ اما آنچه باعث تمایز آثاری از این دست نسبت به یکدیگر می‌شود، فراوانی و کیفیت هر یک از طبقات است؛ به طور مثال، نوجوانی و خامی سبب شده او از قوانین بین‌الملل و برنامه‌ها و اقدامات صلیب سرخ جهانی اطلاع چندانی نداشته باشد و یا با توجه به اینکه او در سال‌های نخستین جنگ تحمیلی به اسارت

درآمده و در عملیات متعددی حضور نداشته است، تنها به دو- سه عملیات اشاره می‌کند و ممکن است این دو طبقه در کتب دیگر جایگاه ویژه‌ای داشته باشند. نویسنده در این کتاب تقریباً یک‌سوم واژگان خاص را به اشخاص پیرامون خود اختصاص داده و یک‌سوم دیگر را به محیط نظامی زندان و منطقه جنگی.

جدول طبقه‌بندی موضوعی واژگان کتاب «آن بیست و سه نفر»

درصد فراوانی	دفعات تکرار	تعداد واژگان	واژگان کتاب آن بیست و سه نفر
۲۲/۶۷	۱۳۷۲	۱۴۱	اشخاص
۲۰/۵۵	۱۲۴۴	۱۷۴	اصطلاحات نظامی
۱۷/۸۸	۱۰۸۲	۹۴	اصطلاحات زندان / اردوگاه
۱۲/۰۴	۷۲۹	۱۷۶	اسامی مکان‌ها
۱۲/۰۴	۷۲۹	۱۷۵	اسامی لوازم
۶/۰۴	۳۶۶	۸۴	خوراک / پوشاک
۴/۶۱	۲۷۹	۹۵	واژگان مربوط به عادات / سرگرمی‌ها
۲/۲۱	۱۳۴	۳۵	اسامی مشاغل / مناصب
۰/۷۹	۴۸	۱۲	اسامی مناطق نظامی / اردوگاه‌ها و ...
۰/۴۲	۲۶	۱۹	واژگان و اصطلاحات پزشکی
۰/۲۶	۱۶	۱۰	اصطلاحات تفریحی / ورزشی
۰/۱۹	۱۲	۵	اسامی عملیات‌ها / تیپ‌ها
۰/۱۱	۷	۳	اسامی حشرات موذی

۰/۰۸	۵	۴	اسامی روزنامه‌ها / نشریات / کتب
۰/۰۳	۲	۲	اصطلاحات و قوانین بین‌الملل
۹۹/۹۲	۶۰۵۱	۱۰۲۹	مجموع

با نگاهی اجمالی به طبقات پانزده‌گانه، مشخص می‌شود که خاطره‌نویس به همه ابعاد زندگی روزمره و واقعیت‌های محسوس دوران اسارت خود اشاره کرده‌است. بیشترین توجه او به افراد و اشخاص حاضر در زندان و اردوگاه بوده و سپس به مکان‌ها دقت داشته‌است. او به لوازم و اشیای اطراف خویش اقبال کمتری نشان داده‌است.

اگر پانزده طبقه بررسی شده را ذیل چهار دسته بزرگ‌تر اشخاص، مکان‌ها، اشیا و امور ذهنی قرار دهیم، مشخص می‌شود که مکان، عنصر غالب واژگان اوست و اشخاص، جایگاه دوم را دارند و پس از آنها، اشیا توجه راوی را به خود جلب کرده‌اند. امور غیرمادی، فراوانی چندانی در متن ندارند.

جدول طبقه‌بندی کلی واژگان کتاب «آن بیست‌وسه نفر»

درصد فراوانی	تعداد واژگان	طبقات فرعی	طبقه اصلی
۵۱/۲۸	۳۱۰۳	اصطلاحات نظامی، اصطلاحات زندان / اردوگاه، اسامی مکان‌ها، اسامی مناطق نظامی / اردوگاه‌ها و ...	مکان‌ها
۲۵/۳۱	۱۵۳۲	اشخاص، اسامی مشاغل / مناصب، واژگان و اصطلاحات پزشکی	اشخاص
۱۸/۲۹	۱۱۰۷	اسامی لوازم، خوراک / پوشاک، اسامی حشرات موذی، اسامی روزنامه‌ها / نشریات / کتب	اشیا و حیوانات

۵/۱۰	۳۰۹	۱۱۲	واژگان مربوط به عادات / سرگرمی‌ها، اصطلاحات تفریحی/ورزشی، اسامی عملیات‌ها/ تیپ‌ها، اصطلاحات و قوانین بین‌الملل	امور غیرمادی
۹۹/۹۸	۶۰۵۱	۱۰۲۹	—	مجموع

با توجه به دامنه واژگان چهار طبقه مکان‌ها، اشخاص، اشیا و حیوانات و امور غیرمادی می‌توان نتیجه گرفت که راوی به توصیف امور محسوس تأکید بسیار دارد و با ذکر نام مکان‌ها و اشخاص، درصدد مستند ساختن خاطرات خویش است. اسامی مکان‌ها و عناصر مرتبط با آنها و اسامی اشخاص و موارد مرتبط با آنان در شخصیت‌پردازی، روایت و توصیف مکان و شرایط خاطرات، نقش القایی و بلاغی بارزی دارند.

اگر هدف نویسنده/راوی را در روایت خاطراتش، ابلاغ پیام به مخاطب و تأثیرگذاری بر او بدانیم، واژگان کتاب با طیف مشخص و محدودی که دارند و با بسامدی که در متن تکرار شده‌اند، فضای حاکم بر سوژه روایت را برای مخاطب روشن ساخته و امکان تأثیرپذیری از روایت را فراهم می‌سازند.

روش و نتایج این پژوهش می‌تواند در آزمودن و تحلیل سایر خاطرات اسرا و آزادگان به‌عنوان الگویی روش‌شناختی و پیشینه پژوهشی به کار رود و گذشته از آن، نویسندگان داستان‌ها و متون نمایشی را در بازسازی گفتار و رفتار زبانی اسرای جنگ و آزادگان یاری رساند.

فهرست منابع

- دیوئی، ملویل. (۱۳۷۲). خلاصه رده‌بندی دهدهی دیوئی و نمایه نسبی. ترجمه ابراهیمی عمرانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- سالمی‌نژاد، عبدالرضا. (۱۳۸۹). دانستنی‌های آزادگان. تهران: پیام آزادگان.
- عابدی، داریوش. (۱۳۷۵). پلی به سوی داستان‌نویسی. تهران: مدرسه.

- عیسی مراد، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). **روان‌شناسی اسارت**. کرمان: رویه.
- کمری، علیرضا. (۱۳۷۳). **درآمدی بر خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشت‌ها در گستره ادب مقاومت و فرهنگ جبهه**. تهران: حوزه هنری.
- مردانی‌نوکنده، محمدحسین. (۱۳۸۶). «**ضرورت مکتوب‌کردن خاطرات دفاع مقدس و راهکارها**». همایش خاطره‌نویسی دفاع مقدس (تهران - مهرماه ۱۳۸۳). تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. صص ۱۱-۳۰.
- هاشمی، سیدجواد. (۱۳۸۶). «**خاطره‌نویسی در تئوری و عمل**». همایش خاطره‌نویسی دفاع مقدس (تهران - مهرماه ۱۳۸۳). تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. صص ۸۳-۹۲.
- یوسف‌زاده، احمد. (۱۳۹۵). **آن بیست‌وسه نفر**. تهران: سوره مهر.

Halliday, M. & Hasan, R. (). *Cohesion in English*. London: Longman.